

حقوق متهم

قانون اساسی موجود دارای اصولی در تضاد و تقابل با حقوق طبیعی انسانی است؛ حق آزادی و اختیار از انسان را سلب و در اختیار آسمان ها و عالم ملکوت قرار می دهد و بزعم این تفکر ولی فقیه نیز نماینده خدا و فرمانده زمین است؛ و لذا مردم اساساً فاقد حقوق تشخیص؛ قانونگذاری؛ آزادی؛ اختیار و حقوق انسانی خود می باشند. در بسیاری از اصول آن از جمله مقدمه قانون اساسی و نیز ذیل ولایت فقیه و اصول چهار و پنج و ۱۰۷ و بالخص اصل ۱۱۰ تمامی حقوق مردم را سلب و آنرا در اختیار ولی مطلقه فقیه قرار داده است و این اصول عملاً بطور کامل توسط حاکمیت یعنی ولایت مطلقه فقیه و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و شورای خبرگان و مجلس شورای اسلامی اجرا می شود اما با توجه به تدوین و تصویب قانون اساسی در شرایط پس از شرایط انقلاب ۵۷ این قانون نمی توانست بر حسب ظاهر حقوقی برای مردم ملحوظ نکند و حاکمیت نمی تواند حقوق مردم را که در قانون اساسی مورد تصویب قرار گرفته را تعطیل و فقط به اجرای بخشی که حقوق روحانیت؛ مراجع و ولایت فقیه را مورد تأکید قرار گرفته و بر خلاف حقوق مردم است اجرا نمایند؛ زیرا در اینصورت خود ناقض قانون اساسی - که هم اکنون بر طبق همین قانون حکمروایی می کند - می باشد و البته مردم بر طبق حقوق بنیادین خود و اینکه ملاک اعمال اراده و حق حاکمیت مردم است - و طبق اظهارات آقای خمینی در اولین روز ورودش به ایران در سخنرانی بهشت زهراء که گفت تصویب قانون اساسی در یک مقطع زمانی؛ این قانون را برای نسل های بعدی لازم الاجرا نمی کند و پدران حقی برای تعیین تکلیف نسل های بعد ندارند این حق برای مردم ایران محفوظ است که خواهان رفتارندوم و تغییر قوانین ضد بشری ولایت فقیه شوند اما حاکمیت نمی تواند از اجرای بخش های مربوط به حقوق مردم در همین قانون سر باز زند و بخشی از این حقوق شامل موارد زیر است:

طبق فصل چهارم: تأمین نیاز های اساسی: مسکن؛ خوراک؛ پوشاک؛ بهداشت؛ درمان؛ آموزش و پرورش رایگان و تأمین شرایط کار برای همه؛ و اشتغال کامل و ... را جزو وظایف حاکمیت دانسته است که البته در این موارد حاکمیت هیچگونه اقدامات اساسی و زیر بنایی بعمل نیاورده است و کار و مسکن و بهداشت و درمان و ... جزو موارد دست نیافتنی برای بسیاری از مردم و بالخص جوانان و کارگران و کارمندان شده است در مورد حقوق مدنی موارد زیر در قانون اساسی جزو حقوق مردم قرار گرفته است که لازم اجرا می باشند:

بر طبق اصل ۲۳ قانون اساسی: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد" یعنی تقسیم بندی خودی و غیر خودی از طرف رژیم و گزینش ها و تفتیش عقاید و تجسس در مورد عقاید برخلاف قانون اساسی می باشد.

بر طبق اصل ۲۴ نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند طبق اصل ۲۵ بازرسی و استراق سمع مکالمات تلفنی؛ سانسور و هر گونه تجسس ممنوع است؛ بر طبق اصل ۲۶ احزاب؛ جمعیت ها؛ انجمن های سیاسی و صنفی ... آزادند..هیچکس را نمی توان از شرکت در آن ها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت و طبق اصل ۲۷ تشکیل اجتماعات و راه پیماییها آزاد است طبق اصل ۳۷ اصل بر براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

بر طبق اصل ۳۸ هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است؛ اجبار شخص به شهادت اقرار و یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل ۳۹ هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر؛ بازداشت؛ زندانی و تبعید شده؛ به هرصورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. اصل ۳۲ هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت؛ موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و مأمور دستگیری بر طبق صورت جلسه و گزارشی که به تأیید متهم نیز باید برسد متهم را به کلاتری تحویل دهد و در صورت عدم تنظیم صورت جلسه مأمور و مرجع انتظامی تحویل گیرنده متخلف می باشند و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. و لذا هر تحقیقی خارج از خارج از ضوابط قانونی ارزشی ندارد و تحقیقات فاقد اعتبار هستند و دلائل می بایست از طریق قانون تحصیل شود و یکی از حقوق متهم؛ تفهیم اتهام و دلایل آن بطور کتبی به اوست و کسی نیز حق ندارد سئوالاتی خارج از اتهام وارده از متهم سئوال نماید و سئوالات تنها در محدوده موضوع اتهام مجاز است؛ مثلاً اگر کسی در رابطه با تظاهرات دستگیر شود نمی توان از وی در مورد شرکت در یک جلسه و یا تظاهرات یک ماه قبل سئوال کرد.

طبق اصل ۱۶۸ رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد.

بر طبق اصل نهم "هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامینت ارضی کشور آزادی های مشروع را؛ هر چند با وضع قوانین و مقررات؛ سلب کند" و لذا کلیه قوانینی که با تصویب مجلس شورای اسلامی؛ آئین نامه های وزیران و شوراها قضایی و غیره که ناقض حقوق اساسی

مردم در قانون اساسی باشد از درجه اعتبار ساقط هستند .

حق برخورداری از دادرسی عادلانه عبارتست از : ۱- حق داشتن وکیل ۲- تحقیقات از افراد بدون اعمال فشار ۳- متهم فرصت دفاع کافی را داشته باشد ۴- دادگاه می بایست جز در مواردی خاص علنی باشد ۵- دادگاه باید بیطرف باشد .

و لذا سئوالاتی که به اعتقادات افراد ؛ یا در ارتباط با دیگران است و مربوط به اتهام طرح شده نیست و یا مرتبط با اتهام دستگیری نیست را پاسخ نداد مثلا اگر سئوال شود که نظرت راجع به فلان مقام چیست یا اینکه در فلان مراسم مذهبی شرکت می کنی ؟ و یا نظر فلان فرد در اینمورد چیست می توان از دادن پاسخ به هر مقامی خودداری نمود ؛ و در مورد تخلفات ؛ توهین ؛ ضرب و شتم ؛ فحاشی ؛ شکنجه ؛ نقص عضو و غیره مأمورین انتظامی به دادرسی انتظامی نیروی انتظامی و تخلفات قاضی را در دادرسی ویژه قضات و دیگر افراد را در دادرسی کارکنان دولت ؛ شکایت و ویگیری نمود .

رای صادره توسط قضات می بایست (۱) مستدل (۲) مستند (۳) موجه (توجیه عقلی) باشد و متهم حق دارد تمامی اطلاعات پرونده را بررسی نموده و به قرار بازداشت موقت اعتراض و یک نسخه از حکم را دریافت کند .

اعتراض به رای گیری ویا نقد گفته های رهبران مملکتی اقدام و تبلیغ علیه امنیت ملی محسوب نمی شود افراد متهم نباید پای هیچ ورقه ای را که نخوانده و یا آنرا قبول ندارند امضاء کنند و در صورت مبهم بودن متن ؛ درخواست حضور وکیل و تفسیر آنرا نمایند و در صورت فشار و ضرب و جرح در بازجویی ؛ شرایط و هتک حرمت را هنگام امضاء در برگه بازجویی درج کنند . نباید اتهامات کلی را در بازجویی و یا در دادگاه پذیرفت بلکه باید روشن و مشخص نمایند که کدام عمل ؛ اقدام و یا تبلیغ بر علیه نظام بوده ؟ و چرا؟ و هر گونه شک و شبهه می بایست به نفع متهم تفسیر گردد . و دادگاه که داور بین مدعی و متهم است نمی تواند عینا هر آنچه دادرسی و مامورانی که نقش ضابطان قضایی را دارند می گویند مستند رای خود قرار دهد و دادستان باید با دلایل علمی و فنی رابطه بین یک فعالیت اعتراضی را با امنیت کشور در دادگاه اثبات کند و به صرف اینکه یک اعتراض مسالمت آمیز اقدام علیه امنیت ملی است محکمه پسند نمی تواند باشد . ویک عمل خاص اعتراض نمی تواند مصداق علیه امنیت ملی تلقی گردد . و تکلیف اثبات گناهکار بودن متهم به عهده شاکی است نه اینکه خود متهم اثبات نماید که تخلفی انجام نداده است . با توجه به موارد فوق راه پیمایی ها و تظاهرات انجام شده بر طبق حقوق اساسی مردم بوده و بلحاظ قانونی جرم تلقی نمی شوند و بهمین لحاظ پرونده دستگیر شدگان را به محاکم قضایی معمولی نفرستاده اند و توسط قضات مجهول الهویه ای که برای قضات با سابقه نیز مجهول می باشند و در دادگاه های فرمایشی محاکمه صورت می گیرد و این دادگاهها حتی با قوانین موجود وفق نمی دهند . قانونی نیستند و عدم صدور مجوز وزارت کشور که در رأس آن فردی مرتجع و ضد بشر ؛ که با سوء استفاده و رانت خواری به یکی از بزرگترین میلیاردها تبدیل شده نماینده مردم و مجری قانون اساسی نیست و با عدم صدور مجوز راهپیمایی تخلف نموده است و پلیس نیز می بایست حافظ سلامت راهپیمایان باشد و حتی بفرض در صورت غیر قانونی بودن راهپیمایی ؛ تنها حق جلب آنان و تحویل با مدارک مستند به دادرسی جهت رسیدگی به اتهامات را دارد و طبق قانون حق ضرب و شتم و جرح و نقص عضو و قتل و کشتار و هدم و تخریب را نداشته اند و عاملین و عامرین تمامی این اعمال می بایست توسط قوه قضایی و مدعی العموم دستگیر و محاکمه و به قصاص و پرداخت دیه و ضرر و زیان محکوم شوند . و هر کس که در جریان دادرسی کارشکنی و ممانعت بعمل ؛ در هر مقامی که باشد می توان بعنوان آمر و معاونت در جرم تحت تعقیب قرار داد و تا پایان جریان دادرسی دادستان ؛ رئیس قوه قضائیه و مدعی العموم و رأس حکومت مسئول تمامی این اعمال هستند .

در زندان نیز متهم و یا محکومان حق برخورداری از حقوق مربوط به زندانیان در رابطه با بهداشت ؛ غذا ؛ و تفریح سالم در زندان برخوردار باشد ؛ حق داشتن لباس به میزان مناسب ؛ حق درخواست سم پاشی و ضد عفونی کردن مکانی که در آنجا نگهداری می شود وحق مراجعه به بهداری زندان و میل کردن از غذایی که طبق برنامه پزشک معالج برای او تجویز شده است ؛ آب آشامیدنی سالم و اغذیه لازم که دارای کالری و ویتامین های کافی باشد برخوردار باشد و نیز حق برخورداری از تفریحات سالم و اشتغال بکار در مراکز حرفه آموزی و اشتغال و مؤسسات صنعتی و اشتغال بکار و آموزش حرفه از حقوق زندانی است (آئین نامه سازمان زندان ها مواد ۹۱-۹۳-۴۳-۱۰۵)

برای دستیابی به آزادی می بایست همه عرصه های دادگاهها و زندان ها را به مبارزه برای دستیابی به حقوق انسانی تبدیل کرد

تیرماه ۸۸- جمع از فعالین اجتماعی و کارگری